

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
علوم اجتماعی (جامعه شناسی)

اخلاق شهروندی و رابطه آن با تحصیلات در شهر رشت ، ۱۳۸۸

از :

کبری طهماسبی فرد

استاد راهنما :

دکتر فاروق خارابی

استاد مشاور :

دکتر محمد امین کنعانی

بهمن ۱۳۸۸

تقدیم

به روان پاک پدرم که رسم ایثار و از خود گذشتگی را آموخت و به مادر عزیز و مشوق اصلی من که چون شمع سوخت و مرا پرسیدن آموخت.

تقدیر و تشکر

این نوشته، اگر ارزشی در مجموعه تلاشهای تحقیقاتی داشته باشد، مدیون راهنمایی، همکاری و همدلی انسانهای بسیاری است که بدون آنها، چارچوب این پژوهش نیز، هرگز شکل نمی‌گرفت، بسی خوشبختی است که انسان خود را در جمع این بزرگان فضل و دانش ببیند. شمار آنان که به گونه‌ای سهمی در این اثر دارند، آنقدر زیاد است که ذکر نامشان در این مختصر نمی‌گنجد. اما وظیفه خود می‌دانم که به بهانه اتمام تحصیلی خود در محضر این دانشمندان، به ویژه نام اساتید گران قدر را که در این مدت طولانی تحصیل مدیون آنان هستم ذکر کنم و سپاسگزاری نمایم.

قبل از همه بر خود لازم می‌دانم از اساتید گران قدر جناب آقای دکتر محمد امین کنعانی استاد مشاور، دکتر فاروق خرابی استاد راهنما و سایر اساتید دانشگاه گیلان که در این پژوهش این حقیر را از معاضدتهای بی دریغ خودشان بهرمنند ساختند، تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از حمایت های بی وقفه‌ی، خانواده‌ی گرانقدرم، همسر و عموی عزیزم که مشوق اصلی من در دوران تحصیل بودند، خالصانه تقدیر و تشکر می‌نمایم.

فهرست مطالب

فصل اول (کلیات)

- ۱-۱ مقدمه ۱
- ۱-۲ طرح مسأله ۳
- ۳-۱ سؤالات تحقیق ۵
- ۴-۱ اهداف تحقیق ۶
- ۵-۱ ضرورت و اهمیت تحقیق ۶

فصل دوم (مبانی نظری)

- ۱-۲ پیشینه تحقیق ۸
- ۲-۲ مبانی نظری (مقدمه) ۱۷
- ۳-۲ مفهوم شهروندی ۱۹
- ۴-۲ حقوق شهروندی ۲۰
- ۱-۴-۲ فرهنگ شهروندی ۲۲
- ۲-۴-۲ فرهنگ شهروندی و عرصه های مختلف جامعه ۲۲
- ۳-۴-۲ عرصه دولت و حاکمیت خوب ۲۴
- ۴-۴-۲ عرصه عمومی و سازمان کارا و اثر بخش ۲۴
- ۵-۴-۲ عرصه خصوصی و شهروندان فعال ۲۵
- ۶-۴-۲ شهروندی و طبقه اجتماعی ۲۶
- ۷-۴-۲ شهروند بر مبنای جنسیت ۳۱
- ۸-۴-۲ شهروندی و نابرابریهای اجتماعی ۳۴
- ۹-۴-۲ شهروندی برآیان اس، ترنر ۳۵
- ۱۰-۴-۲ مدل های شهروندی ۳۸

- ۳۸.....۱-۴-۱۰-۱ مدل شهروندی مدرن رابرت بلا.....
- ۳۹.....۲-۴-۱۰-۲ مدل شهروندی برایان.اس.ترنر.....
- ۴۱.....۳-۴-۱۰-۳ مدل شهروندی پورتر.....
- ۴۲.....۵-۲ شهروندی و مشارکت.....
- ۴۵.....۱-۵-۲ سه فراگرد اجتماعی در مشارکت سیاسی.....
- ۴۷.....۶-۲ تکالیف اجتماعی.....
- ۴۸.....۷-۲ رویکردهای جامعه شناختی به آموزش و پرورش.....
- ۴۸.....۱-۷-۲ آموزش و پرورش از دیدگاه رندال کالتیز.....
- ۵۰.....۲-۷-۲ بولز و جنتیس و نظریه بازتولید اجتماعی.....
- ۵۱.....۳-۷-۲ بوردیو و سرمایه ی فرهنگی.....
- ۵۳.....۴-۷-۲ هویت شهروندی.....
- ۵۵.....۸-۲ چارچوب نظری.....
- ۵۹.....۹-۲ فرضیات.....
- ۶۰.....فصل سوم (مباحث روش شناختی).....
- ۶۱.....۱-۳ روش تحقیق (تکنیک جمع آوری اطلاعات).....
- ۶۱.....۲-۳ روش نمونه گیری.....
- ۶۱.....۳-۳ جامعه آماری و جمعیت نمونه.....
- ۶۳.....۴-۳ ابزار سنجش و مقیاس ها (پایایی — اعتباری).....
- ۶۳.....۵-۳ تعاریف نظری و عملی مفاهیم.....
- ۷۷.....فصل چهارم (تجزیه تحلیل داده ها).....
- ۷۸.....۱-۴ توصیف متغیرها.....
- ۸۸.....۲-۴ تحلیل رابطه بین متغیرها.....

فصل پنجم ۱۰۵

۱-۵ نتیجه گیری ۱۰۶

۲-۵ یافته های پژوهش ۱۰۷

منابع ۱۲۲

ضمائم

- جدول (۱-۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن ۷۸
- جدول (۲-۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت ۷۹
- جدول (۳-۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات ۸۰
- جدول (۴-۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی ۸۰
- جدول (۵-۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضع فعالیت ۸۱
- جدول (۶-۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب منزلت شغلی ۸۲
- جدول (۷-۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان درآمد ماهیانه ۸۳
- جدول (۸-۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل ۸۴
- جدول (۹-۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی ۸۵
- جدول (۱۰-۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان پایبندی به اخلاق شهروندی ۸۵
- جدول (۱۱-۴): جدول تقاطعی مربوط به سن و میزان پایبندی به اخلاق شهروندی ۸۸
- جدول (۱۲-۴): آزمون های آماری مربوط به رابطه بین سن و پایبندی به اخلاق شهروندی ۸۸
- جدول (۱۳-۴): آزمون های آماری مربوط به رابطه بین سن و پایبندی به اخلاق شهروندی برای افراد ۳۰ سال و پایین تر ۸۹
- جدول (۱۴-۴): آزمون های آماری مربوط به رابطه بین سن و پایبندی به اخلاق شهروندی برای افراد بالاتر از ۳۰ سال ۸۹
- جدول (۱۵-۴): جدول تقاطعی مربوط به جنس و پایبندی به اخلاق شهروندی ۹۰
- جدول (۱۶-۴): آزمون های آماری مربوط به رابطه بین جنس و پایبندی به اخلاق شهروندی ۹۰
- جدول (۱۷-۴): جدول تقاطعی مربوط به وضع تاهل و پایبندی به اخلاق شهروندی ۹۱
- جدول (۱۸-۴): آزمون های آماری مربوط به رابطه بین وضع تاهل و پایبندی به اخلاق شهروندی ۹۱
- جدول (۱۹-۴): میانگین میزان پایبندی به اخلاق شهروندی در وضع تاهل ۹۲

- جدول (۴-۲۰) : جدول تقاطعی مربوط سطح تحصیلات و پابندی به اخلاق شهروندی ۹۳
- جدول (۴-۲۱) : آزمون های آماری مربوط به رابطه بین میزان تحصیلات و پابندی به اخلاق شهروندی ۹۳
- جدول (۴-۲۲) : جدول تقاطعی مربوط به رشته تحصیلی و پابندی به اخلاق شهروندی ۹۴
- جدول (۴-۲۳) : آزمون های آماری مربوط به رابطه بین رشته تحصیلی و پابندی به اخلاق شهروندی ۹۴
- جدول (۴-۲۴) : میانگین میزان پابندی به اخلاق شهروندی در رشته تحصیلی ۹۵
- جدول (۴-۲۵) : جدول تقاطعی مربوط به منزلت شغلی و میزان پابندی به اخلاق شهروندی ۹۶
- جدول (۴-۲۶) : آزمون های آماری مربوط به رابطه بین منزلت شغلی و میزان پابندی به اخلاق شهروندی ۹۶
- جدول (۴-۲۷) : جدول تقاطعی مربوط به پایگاه اجتماعی-اقتصادی و پابندی به اخلاق شهروندی ۹۷
- جدول (۴-۲۸) : آزمون های آماری مربوط به رابطه بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و میزان پابندی به اخلاق شهروندی .. ۹۷
- جدول (۴-۲۹) : ماتریس همبستگی دو به دوی متغیرها براساس آزمون پیرسون ۹۸
- جدول (۴-۳۰) : ماتریس همبستگی تفکیکی با کنترل متغیر سن ۹۹
- جدول (۴-۳۱) : ماتریس همبستگی تفکیکی با کنترل متغیرهای منزلت شغلی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی ۱۰۰
- جدول (۴-۳۲) : ماتریس همبستگی تفکیکی با کنترل متغیرهای سن و منزلت شغلی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی ۱۰۰
- جدول (۴-۳۳) : خلاصه مدل آماری براساس رگرسیون خطی ۱۰۱
- جدول (۴-۳۴) : خلاصه مدل رگرسیون خطی به روش ENTER ۱۰۱
- جدول (۴-۳۵) : خلاصه مدل رگرسیون خطی به روش STEPWISE ۱۰۲

فهرست نمودارها

- نمودار (۴-۱): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سن ۷۸
- نمودار (۴-۲): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب جنسیت ۷۹
- نمودار (۴-۳): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سطح تحصیلات ۸۰
- نمودار (۴-۴): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب رشته تحصیلی ۸۱
- نمودار (۴-۵): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب وضع فعالیت ۸۲
- نمودار (۴-۶): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب منزلت شغلی ۸۲
- نمودار (۴-۷): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب درآمد ماهیانه ۸۳
- نمودار (۴-۸): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب وضعیت تاهل ۸۴
- نمودار (۴-۹): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب پایگاه اقتصادی اجتماعی ۸۵
- نمودار (۴-۱۰): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان پایبندی به اخلاق شهروندی ۸۶
- نمودار (۴-۱۱): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب شاخص مسئولیت پذیری اجتماعی ۸۶
- نمودار (۴-۱۲): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب شاخص حقوق شهروندی ۸۷
- نمودار (۴-۱۳): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب شاخص مشارکت سیاسی ۸۷

این بررسی با هدف مطالعه‌ی رابطه‌ی تحصیلات با اخلاق شهروندی و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن در شهر رشت به انجام رسیده است. روش مطالعه پیمایشی و تکنیک مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. رویکردهای نظری مختلفی برای درک فرآیند تاریخی شهروندی، مفهوم شهروندی، حقوق شهروندی، مشارکت شهروندی، وظایف و تکالیف اجتماعی مرتبط با شهروندی مورد استفاده قرار گرفته و بر اساس آنها چارچوب نظری تحقیق تدوین گردید. مؤلفه‌های اصلی اخلاق شهروندی در پژوهش حاضر، حقوق شهروندی، مشارکت و تکالیف اجتماعی می‌باشند که به عنوان مفاهیم اولیه قابل تحقیق به کار گرفته شده‌اند. علاوه بر تحصیلات، منزلت شغلی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی نیز عنوان عواملی که می‌توانند در تغییر میزان تعهد به اخلاق شهروندی موثر باشد، در فرضیات تحقیق وارد شدند. حجم نمونه انتخابی طبق فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر برآورد شده و برای انتخاب آنها از روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات پردازش داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss انجام گردید.

در نهایت یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیر تحصیلات به عنوان متغیر زمینه‌ای در تحقیق حاضر بیشترین تأثیرگذاری بر میزان پایبندی به اخلاق شهروندی داشته است و افراد تحصیل کرده که از آموزش عالی نیز برخوردار بوده‌اند نسبت به اخلاق شهروندی پایبندی بالاتری نشان داده‌اند. در رابطه با متغیر منزلت شغلی، هر چه از نظر افراد شغلشان دارای پرستیژ و منزلت بالاتری باشد پایبندی آنها به اخلاق شهروندی بیشتر است و بالعکس. و نهایتاً افرادی که متعلق به طبقه بالا می‌باشند و پایگاه اجتماعی اقتصادی بالایی دارند بیشترین پایبندی را به اخلاق شهروندی دارند.

کلید واژه‌ها: شهروندی، تحصیلات، حقوق شهروندی، مشارکت، وظایف و تکالیف اجتماع

Abstract

Citizen ethics and its relationship with education in Rasht 1388

Kobra Tahmasbi Fard

The present research is aimed to study the proposed relationship between citizen ethics and its relationship with education in Rasht, Iran. Research method of the study is survey and the technique used for accumulation of information is researcher constructed questionnaire. Various theoretical approaches is applied to understand the historical processes of citizenship, citizenship notions, citizenship rights, citizens participation, social duties and responsibilities. The conceptual framework of the present study is prepared on the base of these notions. The main items of citizen ethics in the present study are citizen rights, participation, social duties and responsibilities. Besides educational attainment of respondents their proposed occupational and socio-economic statuses are also hypothesized to influence the citizen ethics and its various aspects. By using multi-level cluster method and Cochran's method 384 individuals were selected as sample size of the survey.

Finally, the research findings revealed that educational attainment as a contextual variable affects commitment to citizen ethics and those who had higher education revealed higher commitment to citizen ethics. Furthermore, the variables such as proposed job prestige and socio-economic status in which educational attainment has a profound role, affected the commitment to citizen ethics. Higher the proposed occupational prestige, higher is the commitment to citizen ethics.

keywords: Citizenship, Education, Citizenship rights, Citizen participation, Social duties and responsibilities.

فصل اول (کلیات)

شهروندی ایده ای است که در اروپای غربی زاده شده و در قرن شانزدهم همزمان با فراگیر شدنش انتشار یافته است. این موضوع یکی از فرایندهای جامعه مدرن است و در عرف جامعه شناسی دارای مرزهای تعریفی خاصی است که عموماً برخاسته از نگرش عقلانی نسبت به قانون و حقوق افراد در جامعه است. واژه شهروند معمولاً همراه با واژه ی دولت مطرح گردید. و ظهور آن را می توان مصادف با پیدایش نخستین دولت های ملی دانست. در هر جامعه ای به ضرورت حکومتی وجود دارد. در هر حکومتی دو گروه عمده را می توان تشخیص داد. گروه حاکم که در حکم فرماندهان جامعه هستند. و در مقابل سایر افراد جامعه که محکوم به تبعیت از گروه نخست هستند (فرمانبران). البته هر کدام از دو گروه فوق در جوامع و دوره های مختلف عناوین مختلفی به خود می گیرند. هر کدام از این عناوین حقوق و وظایف خاصی را ایجاب می کنند. در صورتی که حاکم عناوینی چون سلطان، خاقان و امپراتور داشته باشد. رفتار فرمانبران با وی متفاوت خواهد بود تا زمانی که به او عنوان رئیس دولت، رئیس جمهور، نخست وزیر و... داده شود. در حالت اول، فرمانبران خود را رعیت می دانند که باید بی چون و چرا از دستورات حاکم تبعیت کنند. در این حالت معمولاً حاکمان خود را از فرمانبران خویش برتر می دانند (به عنوان نمونه شاهان ساسانی خود را از نژاد خدایان می دانستند) (شجیعی، ۱۳۷۲: ۴۱). زمانی که به حاکمان عنوان دولت داده می شود. فرمانبران شهروندانی هستند که حاکمان با رأی آنها انتخاب می شوند و نماینده و هم جنس آنها هستند بنابراین فرمانبران هم شأن حاکمانند و حاکمان فقط از آن جهت که نماینده ی جامعه و مردم اند لازم است از رأی آنها پیروی شود (رجب زاده، ۱۳۸۴: ۴).

هر چند وجود حکومت ها به عنوان یکی از نهادهای اساسی جوامع پدیده ی جدیدی نیست، و از قدمت زیادی برخوردار است به گونه ای که حتی در اجتماعات شکار و گردآوری خوراک و در فرهنگ های کشاورزی که دولت وجود نداشت مکانیسم های غیررسمی حکومت وجود داشت که از طریق آن به حل و فصل منازعات پرداخته، مانع هرج و مرج می شدند. ولی دولتهای ملی به شکلی که در عصر ما رایج است پدیده ای نسبتاً جدید بوده و هرگز در تاریخ نظیر نداشته است. در حقیقت تقسیم دنیا به کشورهای متعدد با دولتهای مشخص از خصوصیات مهم دنیای کنونی است و هرگز به اندازه امروز فراگیر و جهانشمول نبوده است (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۶). با شکل گیری دولتهای ملی موضوع شهروند و حقوق شهروندی مطرح شد. در این دولتها است که بیشتر کسانی که در محدوده ی مرزهای نظام

سیاسی زندگی می کنند. شهروند محسوب می شوند یعنی افرادی که دارای حقوق و وظایف مشترک بوده و خودشان را جزئی از یک ملت می دانند. در حالیکه در نظام های سنتی رعیت چندان علاقه ای به حاکمان نداشته یا نسبت به آنها بی تفاوت و بیگانه بودند.

مفهوم شهروندی همراه با مفهوم فردیت و حقوق فرد و ظهور مکاتب انسان گرا همچون اومانیزم (Humanism) و لیبرالیزم (Liberalism) در اروپا آمده است. این نظامات اجتماعی و سیاسی که بر مبنای فردگرایی (Individualism) بنیانگذاری شده است. اراده و خواست انسان را جایگزین هدایت و ارشاد خداوندی ساخت و بدین ترتیب، قانون بشری که بازتاب اراده و خواست انسان بود، بجای قانون الهی نشست و تئوکراسی یا حاکمیت خداوندی بر جامعه و انسان جای خود را به دموکراسی (Democracy) که عالیترین نوع حکومت تلقی می شد داد (سادات، ۱۳۶۰:۱۵). و زمینه برای انقلابات عظیم سیاسی و اجتماعی در اروپا و آمریکا فراهم گردید. انقلاب کبیر فرانسه با شعار: آزادی، برابری، برادری از جمله آنهاست از جمله نظامات اجتماعی و سیاسی که بر مبنای فردگرایی بنیانگذاری گردید لیبرالیزم است که از لحاظ فلسفه ی سیاسی و اجتماعی فرآیندی از نظریات دانشمندان و فلاسفه ی اجتماعی قرن هفده و هیجده کشورهای اروپایی بخصوص فرانسه و انگلیس در آن متبلور گردیده است. برای تحقق دموکراسی در ابتدا باید افراد به عنوان یک شهروند شناخته شوند و برای این کار باید در نهادهای مدنی عضویت داشته باشند تا سطح روابط اجتماعی را با اطرافیان بالا ببرند. تعلیم و تربیت مدنی که بر توسعه شهروندی یا شایستگیهای مدنی مربوط می شود، دارای اهدافی است، به هر حال فرد موظف است از قوانینی که در جهت امنیت و رفاه جامعه تدوین شده، تبعیت نماید. شهروندان باید مسولیت مشارکت مؤثر در تدوین یا تغییر قوانین جامعه را پذیرا باشند. البته برای ایفای نقش مشارکتی خود نیازمند آگاهی از موضوعات و مسائل اجتماعی هستند. آموزش شهروندی (تحصیلات) یکی از راههای مؤثر برای نیل به انسجام اجتماعی و سیاسی است (شارع پور، ۱۳۸۵:۳۱۸).

۱-۲ طرح مسأله:

انسانها در زمانهای نسبتاً دور که هنوز شهرها به صورت امروزی شکل نگرفته بودند بسیار آزادانه زندگی می کردند و هیچ حدود حصری را برای خود قائل نبودند. ولی امروزه زندگی از نوع شهری نیاز به قوانین، ارتباطات و تعاملات خاص خود دارد و هر گونه وقفه، کوتاهی و نادیده گرفتن قوانین و آداب شهرنشینی و رعایت نکردن حقوق دیگران، تنش ها، خشونت ها و ناملايمات اجتماعی اقتصادی و فرهنگی بسیاری را دامن می زند. افراد حتی در درون خانه خود هم باید با نوع رفتار خود مراعات همسایه ها را نموده و به حقوق آنها احترام بگذارند. این احترام به حقوق متقابل از زمانی شکل گرفت که جمعیت شهرنشین افزایش یافت و هر روز که می گذشت شهرها نیز گسترش پیدا می کرد و به طبع آن مناسبات اجتماعی میان مردم نیز پیچیده تر از قبل می شد؛ پس زندگی اجتماعی نیازمند قوانین و ساختارهایی بود که با این رفتارهای شهرنشینان هماهنگ باشد. توسعه شهرهای امروزی تاثیر بسیار زیادی نه تنها بر عادات و و شیوه های رفتار، بلکه بر الگوهای اندیشه و احساس داشته است. به نظر می رسد به رغم رشد و توسعه علمی و فنی، اقتصادی و... جوامع جدید، ارزشها هنجارهای مدنی و اخلاقی شهروندان نتوانسته در حد مطلوب توسعه یابد. بویژه در بسیاری از مناطق شهرهای بزرگ به دلیل غلبه فرهنگ اقتصادی و نیز گسترش رقابت های اجتماعی و خدماتی، سطوح اخلاقی شهروندی هم در بعد فرهنگی و هم کنشی در سطح مطلوبی قرار ندارد. در حالیکه لازمه ی زندگی پایدار در شهرهای بزرگ برخورداری از درجاتی از اخلاق شهروندی است که بتواند موجبات حفظ روابط، نظم اجتماعی، مشارکت مدنی، تمایل به همکاری احترام به قواعد رسمی و غیر رسمی را فراهم گرداند(خلفی، ۱۳۸۳).

اخلاق شهروندی مجموعه ای از قوانین و عرف های اجتماعی است که در شهرها به دست اندرکاران و ساکنان این شهرها برای زندگی هماهنگ و بدون تنش چه با یکدیگر و چه با محیط زیست به توسعه پایدار کمک کنند. اگرچه امروز به همراه مفاهیم مدرن و در قالبی نوبه مخاطبان عرضه می شود اما اخلاق همیشه یک قلمروی مهم از زندگی اجتماعی و معرفتی هر فرد شناخته می شود و چه بسا حتی پیش از هر چیز یک وسیله تنظیم کننده در روابط اجتماعی انسانها نیز تلقی شود، اخلاق در شکل اجتماعی اش یک ضرورت است. این مفهوم، همانند هر مفهوم دیگر، در بستر تاریخی - اجتماعی و در درون شبکه های مفهومی، محتوا و معنای خود را آشکار می سازد این محتوا و معنا، ثابت نبوده و به اعتبار تحولات پدید آمده در جوامع و رویکرهای نظری، دستخوش تغییر می شود(فکوهی ۱۳۸۵).

شهروندی در هر زمان و در هر کجا که تحقق یافته متضمن حقوق تعریف شده و وظایف معین بوده که فرد شهروند از آن برخوردار گردیده است. آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی مبنای عمل و تحقق واقعی آن است. از این رو شناخت شرایط تحقق آن می تواند بر عمل شهروندی و به تبع آن بستر سازی برای توسعه دلالت کند. به عبارتی، آگاهی و شناخت بایستی به عنوان منبع مهم احساس وفاداری و مسئولیت نگریسته شود، اما این آگاهی و عمل نیازمند چارچوبی برای شناسایی و مکانیسم هایی برای تحقق است. به تعبیر دیگر، افراد نیازمند اخلاق و ایستارهایی هستند که پذیرای حقوق و مسئولیت ها باشد و از احساس تعلق و همبستگی با دیگران و حاکمیت ارزشها و هنجارهای عام سرچشمه بگیرد. این جهت گیری ها در یک بستر خاص، افراد را برای رسیدن به هدف مهیا ساخته و انگیزه کسب حقوق و انجام تکالیف شهروندی را در آنان رشد می دهد. افراد نیازمند شناخت و آگاهی ها در زمینه مسائل و امور مختلف از جمله حقوق و مسئولیت های خود هستند. اما صرفاً آگاهی آنان را به شهروند تبدیل نکرده و شهروندی را محقق نمی سازد. این پدیده هنگامی که افراد و گروهها به منابع مختلف دسترسی داشته و بسترها فرصت های فعالیت و پذیرش آزادانه مسئولیت ها برای آنان در جامعه مهیا شود، به منصفی ظهور خواهد رسید. بنابراین میزان آگاهی و به تبع آن عمل شهروندی به مثابه یکی از عناصر اصلی جامعه در تعامل با سایر عوامل در سطوح فردی و ساختاری است. آموزش شهروندی در هر جامعه ای، انتقال مجموعه ای از دانشها، ارزشها و جهت گیریهای رفتاری ضروری برای دوام و رفاه آن جامعه به نسل جوان است. بدین ترتیب آموزش و پرورش را نه یک حق شهروندی بلکه یک وظیفه و تکلیف است شهروندان برای شناخت حقوق خویش و استفاده از آن، باید از آموزش و پرورش برخوردار باشند. پس کسب آموزش و پرورش یک وظیفه و تکلیف است زیرا آموزش و پرورش ابزاری است برای فهم حقوق و همچنین تکالیف شهروندی و اجرای این تکالیف و وظایف به نحو مطلوب (شارع پور، ۱۳۸۵: ۳۱۵).

آموزش شهروندی بطور غیر رسمی در خانه یا محل کار یا کارگاههای آموزشی و یا بطور رسمی به صورت سرفصل درسی مجزا در مدارس و حتی مدارس ابتدایی و یا به صورت رشته تحصیلی دانشگاهی در واقع به شهروندان می آموزد که چگونه یک شهروند فعال، آگاه و مسئولیت پذیر باشند. در واقع مبنای این آموزشها پرورش یک شهروند نمونه یا شهروند خوب یا ارائه یک الگوی شهروندی نیست بلکه به آنان می آموزد که چگونه تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند. تربیت شهروندی یکی از فروع شهروندی است که

با توجه به تحولات سریع اجتماعی ، فن آوری سیاسی دوران معاصر، از جمله دلمشغولی های برنامه ریزان و سیاستگذاران تعلیم و تربیت کشورهای جهان به شمار می آید . بنابراین انتقال دانش و تجربه بشری از نسلی به نسل دیگر جز از طریق آموزش امکان پذیر نیست و به همین دلیل حق آموزش و تحصیل از جمله حقوق اساسی بشر و در زمره مهمترین حقوق شهروندی است که در بیان مساله ما حائز اهمیت است (شارع پور ، ۱۳۸۵:۳۱۶).

امروزه در تحقیقات اجتماعی و شهری به توسعه اخلاق شهروندی و تحقیق و تفحص درباره این پدیده توجه فراوانی می شود. میزان آگاهی از شهروندی تابع ویژگی های افراد در جامعه است. آگاهی از شهروندی تابع نگرش های افراد در جامعه و فرصت ها و بسترهای اجتماعی در جامعه است. یکی از این بسترهایی که می تواند به توسعه اخلاق شهروندی یاری رساند تحصیلات و آموزش و پرورش شهروندان در مورد حقوق و وظایف شهروندی آنهاست. بنابراین سوالی که مطرح می شود این است که آیا بین تحصیلات و آگاهی از شهروندی رابطه وجود دارد. آیا بین تحصیلات و اخلاق شهروندی رابطه وجود دارد. و میزان تعهد میان خود افراد تحصیل کرده بر مبنای بسترهای متفاوت زندگی به ویژه زمینه های اولیه تحصیلی، آموزشی، تربیتی و... تأثیر آشکاری به فرآیند دریافتی و کنشی آنان در قبال هنجارها و قواعد اخلاق شهروندی دارد. و آیا بین خود افراد تحصیل نکرده از نظر اخلاق شهروندی تفاوت وجود دارد. بطور خلاصه می توان گفت مسئله اصلی در این پژوهش، جستجو به منظور تبیین و شناخت چگونگی بررسی اخلاق شهروندی و رابطه آن با تحصیلات در شهر رشت و بررسی میزان پایداری آنان به هنجارها و قواعد اخلاق شهروندی می باشد.

۳-۱ سؤالات تحقیق:

۱- آیا میزان پایداری به قواعد اخلاق شهروندی در بین گروه های مختلف سطح تحصیلات، متفاوت است؟

۲- آیا میزان پایداری به قواعد اخلاق شهروندی بر حسب رشته تحصیلی افراد، متفاوت است؟

۳- دلایل تفاوت پایداری به قواعد اخلاق شهروندی چگونه تبیین می گردد؟

۱-۴ اهداف پژوهش :

هدف کلی در این پژوهش، بررسی چگونگی رویکرد افراد تحصیل کرده در رشت در قبال هنجارهای اخلاق شهروندی می باشد. بعلاوه این پژوهش درصدد آن است که معلوم نماید چگونه سطوح متفاوت آنها از وضعیت ها و شرایط مختلف تأثیر می گیرد.

اهداف جزئی در این پژوهش این است که آیا بین تحصیلات، میزان تحصیلات، زمینه های آموزشی، تربیتی، و میزان توجه و تعهد به هنجارهای اخلاق شهروندی ارتباط وجود دارد؟ آیا پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد در میزان پایبندی به اخلاق شهروندی موثر است.

۱-۵ ضرورت و اهمیت تحقیق:

به نظر می رسد پیشرفتهای قابل ملاحظه در زندگی روزمره مان پدید آمده و شکل مدرن تری به خود گرفته است . با گسترش شهرها، معضلات و مشکلات شهری نیز گسترش یافت و به موزات کارکردهای مثبت شهرنشینی صور منفی زندگی جمعی و اجتماعات بزرگ و شهرنشینی چهره نشان داد و پدید آمدن نهادهای نو و یا تکامل نهادهای قبلی در کنترل و حل معضلات شهری شد. امروز شهر نه با گستردگی جغرافیایی نه با انبوهی جمعیت، نه تراکم زیستی، نه با معیشت منحصر به صنعت و خدمات، نه با کارکردهای مثبتش و نه با معضلات منحصر به فردش بلکه با چگونگی برخورد با این پدیده ها از طریق پایبندی به اخلاق شهروندی تعریف می شود. شهر در قاموس بشری مفهومی چند بعدی است چون، خود انسان چند بعدی. لذا این مطالعه می خواهد زمینه ای را بررسی کند که در آن بالا بردن سطح منش و اخلاق شهروندی در شهرها و ارائه راه حل ها و راهکارهای مناسب جهت مبارزه با ناهنجارهایی اخلاقی و اجتماعی و همچنین پرورش و توسعه منش و اخلاق شهروندی. و اینکه آموزش و پرورش به عنوان یکی از متغیرهای مورد نظر ما چقدر می تواند زمینه ای را بری بالا بردن سطح اخلاق شهروندی فراهم کند. بنابراین ضرورت دارد تا جنبه های مختلف این مسئله و چرایی رشد و عدم رشد شاخص های اخلاق شهروندی مورد مطالعه قرار گیرد.

فصل دوم (مبانی نظری)

۲-۱ پیشینه تحقیق: بررسی منابع تألیف شده در خارج از ایران

بررسی کتابها:

۲-۱-۱ شهروندی: کیث فالکس (۲۰۰۰):

اولین کتابی که مورد بررسی قرار داده ایم کتابی است از کیث فالکس، تحت عنوان شهروندی که در سال ۲۰۰۰ در انگلستان منتشر شده است. محمد تقی دلفروز این کتاب را در سال ۱۳۸۱ به فارسی ترجمه کرده است که توسط انتشارات کویر در تهران به چاپ رسیده است. نویسنده در مقدمه کتاب بیان می کند که رویکردش به موضوع شهروندی نه یک رویکرد تاریخی یا مقایسه ای، بلکه یک رویکرد مفهومی است. او دلایل جذابیت شهروندی را برای هر دو گروه محققین چپ و راست، دارا بودن توأمان هر دو عنصر فرد گرایانه و جمع گرایانه و نیز داشتن یک ایده ذاتاً ارتباطی می داند چرا که به نظر او شهروندی متضمن همکاری میان افراد برای اداره زندگیشان می باشد. فالکس در ادامه به مرور مفهومی شهروندی می پردازد. او شهروندی را هویتی می داند که بیش از هر هویت دیگری مثل نژاد، مذهب، طبقه یا جنسیت قادر است انگیزه سیاسی اساسی انسانها یعنی نیاز به، به رسمیت شناخته شدن را ارضاء نماید. برخلاف برده ها رعیت ها، یا اتباع، که موقعیتشان بر سلسله مراتب و سلطه دلالت دارد، شهروندان رسماً از عضویت - مشروع و برابر در یک جامعه بهره مندند. به نظر او برای اینکه شهروندی از معنا و جوهره واقعی برخوردار باشد نباید به رفتار خودسرانه اجازه بروز دهد. به عبارتی شهروندان باید بر مبنای معیارهای عینی و شفاف مورد قضاوت قرار گیرند. کارکرد اصلی شهروندی عبارت است از ادامه جامعه بر طبق اصول احترام به حقوق دیگران و تعهد به ایفای نقش در حفظ نهادهای مشترکی که این حقوق را پایدار می دارند. او شهروندی را یک مثال عالی از مفهوم دوگانگی ساختار آنتونی گیدنز می داند که در آن عاملیت فرد و ساختارهای اجتماعی بطور متقابل به هم وابسته اند فرد از طریق اعمال حقوق و تعهدات شهروندی شرایط ضروری شهروندی را باز تولید می کند. لذا فالکس شهروندی را یک هویت پویا و ایده ای می داند که همواره مجموعه خاصی از روابط و انواعی از شیوه اداره را که در هر جامعه مفروضی یافت می شوند منعکس می نماید. او بدین ترتیب زمینه را برای طرح یکی از انتقادات اصلی اش به بخش زیادی از آثار موجود در مورد شهروندی فراهم می نماید. همانطور که قبلاً گفتیم به نظر فالکس در بیشتر این آثار به بستر یا شرایط